

# شهربراز

## یادداشت‌هایی درباره‌ی تاریخ و فرهنگ ایران زمین

### درباره

\*\*\* هرگونه استفاده از  
جستارهای این وبلاگ تنها پس  
از دریافت اجازه‌ی نوشتاری  
(کتبی) و ذکر نشانی وبلاگ و نام  
نویسنده (شهربراز) آزاد است.  
\*\*\*

شهربراز چیست؟ کیست؟ کجاست؟  
ویکی‌پدیای پارسی | فرهنگ  
دهخدا | ویکی‌پدیای انگلیسی |  
بیشتر

### بازدیدشمار

از شنبه ۲۲/تیر/۱۳۸۷ -  
**128220**  
۱۲/جولای/۲۰۰۸  
free counter

### زمزمه

بر لشکر زمستان، نوروز  
نامدار  
کرده‌ست رای تاختن و قصد  
کارزار  
منوچهری دامغانی (سده‌ی چهارم  
خ./دهم م.)

### دسته‌بندی موضوعی

- (87) ادبیات
- (9) تاجیکستان
- (118) تاریخ باستان
- (74) تاریخ معاصر
- (56) تاریخ میانی
- (17) -

### ویژه‌نامه‌ی اشپیگل درباره‌ی تاریخ ایران

Monday,  
April  
2010, 12

دوشنبه ۲۳/فروردین/۱۳۸۹ - ۱۲/اپریل/۲۰۱۰

در اروپا و امریکا در سال‌های اخیر رسم شده است که کتاب‌هایی چاپ  
شود که در زمینه‌های گوناگون موضوع‌های پیچیده یا دراز را به  
صورت خلاصه و فشرده و مختصر (و گاه غیرمفید!) برای همگان  
منتشر می‌کنند. برخی از این کتاب‌ها بیشتر برای ذائقه‌ی جامعه‌ی  
مصرفی و زندگی سوپرمارکتی تولید می‌شود که مردم وقت زیادی  
ندارند و از سویی دوست دارند همه چیز را «تجربه» کنند و از آن سر  
دریابورند. برای نمونه شما مجموعه کتاب‌هایی می‌بینید مانند «... در  
یک هفته»، «... در ۲۴ ساعت»، «... برای خنگ‌ها» (for  
Dummies...)، و مانند آن. روشن است که با خواندن  
کتاب «مدیریت در یک هفته» نمی‌توان مدیر خوبی شد. اما دست کم  
عده‌ای خیالشان راحت می‌شود که با مدیریت آشنا شده‌اند.

به تازگی مجله‌ی آلمانی اشپیگل ویژه‌نامه‌ی درباره‌ی تاریخ ایران  
منتشر کرده است که آدم را یاد همان کتاب‌ها می‌اندازد. عنوان این  
ویژه‌نامه چنین است: «تاریخ: ایران از ابرقدرت باستانی تا خداسالاری  
مُلایان» (Geschichte: Persien Supermacht der (Antike, Gottesstaat der Mullahs  
۱۵۰). این ویژه‌نامه ۱۵۰  
صفحه دارد و من نمی‌دانم چه گونه می‌توان در ۱۵۰ صفحه تاریخ  
ایران از هخامنشیان تا امروز را بررسی کرد. من هنوز این شماره از  
اشپیگل را ندیده‌ام و زیاد هم آلمانی نمی‌دانم اما عکس روی جلد خود  
می‌تواند گویای محتوای آن باشد:

- (7) خاقانی
- (81) روزانه
- (148) زبان
- (9) سعدی
- (3) غرولند
- (31) فردوسی
- (108) فرهنگ
- (13) فیلم
- (84) کتاب
- (9) موسیقی
- (14) نظامی گنجه ای
- (25) واژه‌سازی
- (37) پانترکان

## بایگانی

▼ 2010 (14)

▼ April (4)

ویژه‌نامه‌ی اشپیگل درباره‌ی  
تاریخ ایران

صحاح الفرس و صحاح العجم

خط پارسی یا خط عربی

!نوروز ایرانی نیست؟

► March (3)

► February (3)

► January (4)

► 2009 (113)

► 2008 (190)

► 2007 (150)

► 2006 (27)

► 2005 (8)

► 2004 (5)

## پیوندها

- زبان
- فرهنگ دهخدا
  - شورای گسترش زبان
  - پارسی
  - واژه‌نامه‌ی دکتر محمد
  - حیدری ملایری



عکس روی جلد ویژه‌نامه‌ی اشپیگل درباره‌ی تاریخ ایران - مارچ  
۲۰۱۰ م. / فروردین ۱۳۸۹ خ. (برای آگاهی بیشتر روی عکس کلیک  
کنید).

ترجمه‌ی روی جلد:

تاریخ  
ایران: [از] ابرقدرت باستانی، [تا] خداسالاری  
ملایان  
زرتشت: اختراع‌کننده‌ی جهنم  
شعر: در باغ زبان

### شاه در تبعید: گفت و گو با شاهزاده رضا پهلوی

همان طور که می‌بینید از یک سو عکس کورش را گذاشته و سپس نقاشی نبرد داریوش سوم هخامنشی با اسکندر مقدونی و در کنار آن عکس آیت الله خمینی آمده است که انگار گوشه‌ی چشمی به تاریخ شاهنشاهی هخامنشی دارد. در زیر هم از راست محمدرضا پهلوی و فرح دیبا و نقاشی پارسه [=تخت جمشید] آمده است.

به یاد داریم که تابستان سال گذشته (۱۳۸۸ خ / ۲۰۰۹ م) همین مجله‌ی اشپیگل در مقاله‌ی جنجالی خود استوانه‌ی کورش را فریب و تبلیغات حکومت پهلوی خواند و گفت که شاه ایران سازمان ملل را گول زد. کورش حاکم خونریزی بود که مردم را وادار می‌کرد که به پایش بیفتند و ... دکتر کاوه فرخ [پاسخ مستدلی](#) به این ادعاهای بی‌پایه داد اما به خاطر این دفاع از میراث تاریخی و فرهنگی ایران آماج حمله‌های شخصیتی و اینترنتی شد. یعنی برخی آقایان اروپایی ناراحت شدند که چه طور یک ایرانی به خودش حق می‌دهد درباره‌ی تاریخ خودشان اظهار نظر کند و در برابر ما حرف بزند.

برگردیم به همین ویژه‌نامه:

این اشتباه بسیار رایج و گسترده است و حتا خود ما ایرانیان نیز بسیار آن را انجام می‌دهیم که تاریخ ایران را از دوران هخامنشیان آغاز می‌کنیم. یعنی دوران پادشاهی ماد را نادیده می‌گیریم و ایلام (عیلام) را هم فراموش می‌کنیم. حال آن که این هر دو بخش مهمی از تاریخ ما هستند و بر شکل‌گیری دولت هخامنشیان تأثیر فراوانی داشته‌اند.

نکته در این است که رسانه‌های اروپایی و امریکایی با کنار هم قرار دادن ایران باستان - با تصویر کلیشه‌ای «استبداد شرقی» و «دموکراسی یونانی» که همواره در فیلم‌ها و کتاب‌ها و مدرسه‌هایشان تکرار می‌شود و در همان جریان سال گذشته یوزف و ایسهوفر نیز آن را تکرار کرد که «کورش نیز مانند همه‌ی شاهان شرقی خودکامه و

- فرهنگ پارسی به
- انگلیسی / انگلیسی به
- پارسی / پارسی به پارسی
- ریشه‌شناسی واژه‌های
- انگلیسی
- واژه‌نامه‌های
- فرانسه/انگلیسی
- معنای نام‌ها - غیرایرانی
- معنای نام‌ها - ایرانی
- **دین**
- اوستا و دیگر نوشته‌های
- زرتشتی
- کتاب مقدس
- یهودیان/مسیحیان (Bible)
- قرآن
- **تاریخ و فرهنگ**
- دانش‌نامه‌ی ایرانیکا
- پایگاه تاریخ ایران - دکتر
- **خنجی**
- پروژه‌ی ساسانیکا - دکتر
- تورج دریایی
- پایگاه استاد ریچارد نلسون
- فرای
- وبگاه دکتر کاوه فرخ
- کانون پژوهش‌های ایران
- باستان
- تبدیل تقویم
- خورشیدی/قمری/میلادی
- تاریخ ایران و جهان در
- چنین روزی
- آذرگشنسب
- بنیاد فرهنگ ایران
- بنیاد نیشابور
- کمیته‌ی نجات پاسارگاد
- وبگاه مرتضی تاقب فر
- **کتاب**
- پان‌ترک‌گرایان و آذربایجان -
- دکتر کاوه فرخ
- اصلاح زبان ترکی: کامیابی
- فاجعه‌آمیز - جفری لویس
- ری‌را: دیوان‌های شاعران
- بزرگ
- پرسوپیدیا: دیوان‌های
- شاعران بزرگ
- گنجور: آثار سخن‌سرایان
- پارسی‌گو
- ری-سنت: شاهنامه‌ی
- فردوسی، دیوان شمس،

- مثنوی معنوی و دیوان شمس در کتابخانه‌ی تصوف
- پروژه‌ی گوتنبرگ - کتابخانه‌ی رایگان
- کتاب‌های رایگان پارسی
- کتاب‌های رایگان پارسی - ۲

#### وبلاگ‌ها

- کانون پژوهش‌های ایران‌شناختی - دکتر جلیل دوست‌خواه
- سخن - یادداشت‌های ابوالفضل خطیبی
- سرای زبان - دکتر محسن حافظیان
- اسواران - ارتش‌های ایران باستان
- وبلاگ روزنامک
- رضا مرادی غیث آبادی
- ایران‌نامه - دکتر شاهین سپنتا
- Persepolis Fortification Archive Project
- آسمانه ایران کهن
- تاریخ و فرهنگ ایران باستان - داریوش احمدی
- تاریخ و فرهنگ ایران باستان - وبلاگ قدیمی
- کارزار با پان ترکیسم - یاشاسین ایران
- شمس تبریز
- تریبون آزاد پان ایرانیست در خوزستان
- جام جم - رامین
- سحرگاهان - وبلاگ محمد جلالی چیمه (م. سحر)
- مینوی خرد - آرزو رضایی
- لوگوس - حمید حیاتی
- زبان و ادبیات فارسی (آریا ادیب)
- سرای دانای توس
- ایران، تاجیکان
- عاقلان دانند - وبلاگ امیرحسین شالچی
- آذرآبادگان من
- فصلنامه‌ی فروزش

خونریز بود» - و وضعیت سیاسی ایران امروز و مسئله‌ی هسته‌ای و ... پیام‌های فراوانی برای گمراه‌سازی مخاطبان خود می‌فرستند و راه سوءاستفاده‌های سیاسی را باز می‌کنند. حال آن که همه‌ی ما ایرانیان به خوبی آگاهیم که حکومت جمهوری اسلامی ایران از همان روزهای نخست - به همراهی توده‌ای‌ها و دیگران - نظر و برنامه‌ی خود را درباره‌ی تاریخ باستانی ایران آشکار کرد و می‌دانیم هرگز به طور رسمی هیچگونه احساس نزدیکی و همدردی‌ای نسبت به این بخش از تاریخ ما نشده است. حتا همین سال گذشته تصمیم گرفته شد که نام پادشاهان از کتاب‌های تاریخ مدرسه‌ها حذف شود، پارسه و دیگر آثار باستانی را نشانه‌های به جا مانده از دوران کفر و ستم خواندند و .. حتا درصدد از میان بردن آثار آن دوره به هر راه ممکن هستند مانند ساختن جاده و سد و هتل و ... (نیازی نمی‌بینم که تکرار کنم نادیده گرفتن هر بخشی از تاریخ ایران چه پیش از اسلام چه پس از اسلام، چه پیش از انقلاب و چه پس از انقلاب نگاه سالمی و رویکرد درستی نیست. تاریخ پیشااسلامی همان قدر مهم است که تاریخ پسااسلامی. تمام اینها در ساخت هویت و کیستی ما نقش دارند...)

آقای فرج سرکوهی در [پایگاه رادیو فردا](#) به معرفی این ویژه‌نامه‌ی اشپیگل پرداخته است. وی عنوان ویژه‌نامه را به اشتباهی یا عمد «پارس: ابرقدرت باستانی تا دولت خدایی» ترجمه کرده است. یعنی به جای «ایران» عنوان «پارس» را گذاشته و «ملایان» را حذف کرده است. با درستی این عنوان کار ندارم اما در ترجمه باید دقت و امانت را در نظر داشت. در متن گزارش هم (شاید به اشتباه) نام برت فرگنر (Bert Fragner) به صورت فراگنل نوشته شده بود که اکنون درست شده است. در تمام گزارش آقای سرکوهی، به جای ایرانیان «پارسیان» آمده است که اشتباه است.

وی در معرفی اشپیگل آن را «از معتبرترین نشریات آلمان و اروپا» خوانده است. باید پرسید اگر مجله‌ی اشپیگل در زمینه‌ی روزنامه‌نگاری و مسئله‌های سیاسی روز اروپا معتبر است آیا در زمینه‌ی تاریخی - به ویژه تاریخ ایران - نیز معتبر است؟ اگر به فرض شبکه‌ای تلویزیونی در زمینه‌ی ورزش معتبر است هرچه در زمینه‌ی اخترشناسی هم پخش

## پارسی را پاس بداریم



- تهاجم به هویت ایرانی
- نام زبان ما به انگلیسی چیست: Persian یا Farsi؟
- شتر مرغ زبانی
- پارسی‌مان: سرای زبان پارسی
- ویندوز پارسی مایکروسافت
- مرورگر فایرفاکس پارسی

کند معتبر است؟ حتی آیا اگر کسی (مانند یوزف و ایسهوفر) در زمینه‌ی آشورشناسی کارشناس است نظرهایش درباره‌ی هخامنشیان نیز معتبر است؟

آقای سرکوهی می‌نویسد:

فراگنر - که در جهان ایران‌شناسی به شجاعت فکری و نقد مفاهیم کلیشه‌ای شهره است - در این مصاحبه با اشاره به پیوند فرهنگ ایرانی با فرهنگ اقوام هندواروپائی در دوران باستان، بر آن است که جهان‌نگری دوبنی و تقابل مطلق شده خیر و شر از ابداعات پارسیان است. فراگنر می‌گوید: «پارسیان بودند که شیطان را خلق کردند.»

پرفسور فراگنر در این مصاحبه برداشت کلیشه‌ای را درباره محتوی حقوق بشری منشور کورش هخامنشی به چالش می‌طلبد و برداشتی را که کورش و دیگر شاهان هخامنشی از جمله داریوش اول را از بنیادگذاران «امپراطوری ایران» و «هویت ایرانی» می‌داند، نقد می‌کند.

داشتن شجاعت فکری ستودنی است و نقد مفاهیم کلیشه‌ای نیز. اما برای نقد باید مایه‌ی آن را هم داشت. آقای فرگنر استاد بازنشسته‌ی دانشگاه بمبرگ (Bamberg) آلمان است که از نظر ایران‌شناسی چندان دانشگاه شناخته‌شده‌ای نیست. در صفحه‌ی معرفی این دانشگاه آمده که تا سال ۱۹۷۹ م. ۱۳۵۸ خ کالج بوده و از همان سال عنوان دانشگاه یافته است. من در کتابفروشی برخط آمازون هم نام برت فرگنر را جست‌وجو کردم و در کتاب‌های تاریخی انگلیسی چیزی از ایشان به دست نیامد. در کتاب‌هایی هم که به زبان آلمانی از ایشان منتشر شده است در بیشتر موردها نام او نویسنده‌ی دوم یا سوم بود. بیشتر این

کتاب‌ها هم در دهه‌ی ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ م. نگاشته شده‌اند. تنها تکنگاری (monogram) که از او پیدا کردم کتابی است که در سال ۱۹۷۹ م. / ۱۳۵۸ خ. منتشر شده است و عنوان آلمانی آن چنین است:

### Persische Memoirenliteratur als Quelle zur neueren Geschichte Irans

یعنی «خاطرنویسی‌های پارسی به عنوان منبع در تاریخ ایران امروز». آن طور که از عنوان دیده می‌شود این کار ربطی به تاریخ ایران باستان ندارد. بنابراین به نظر من این ادعا که برت فرگنر در جهان ایران‌شناسان فرد معتبری است زیاد درست نیست زیرا هیچ اثر معتبری که او نویسنده‌ی نخست آن باشد در دست نیست. جستجو در بخش کتاب‌های گوگل نیز نتیجه‌ی مشابهی به دست می‌دهد.

از این موضوع چشم‌پوشی می‌کنیم و به سراغ خود ادعای ایشان می‌رویم: نخست این که اگر منظور از «پارسیان» ایرانیان باشد گفتم که آقای سرکوهی اشتباهی ترجمه کرده است. اگر هم منظور برت فرگنر از پارسیان همان هخامنشیان باشد مفهوم خیر و شر از باورهای دیرین ایرانیان و پیش از هخامنشیان است. (به گفته‌ی مری بویس و گراردو نیولی - که هر دو از ایران‌شناسان برجسته و سرشناس هستند و اثرهای فراوانی از ایشان منتشر شده - زمان زرتشت دست کم ۱۳۰۰ سال پیش از میلاد یعنی ۷۰۰ سال پیش از هخامنشیان بوده است.) دوم این که «پارسیان شیطان را خلق نکردند» بلکه در جهان‌بینی و دین‌های ایرانی مفهوم اهریمن وجود داشت که لزوماً با شیطان و ابلیس در دین‌های سامی یکی نیست.

اگر کورش و داریوش یکم بنیازگار «امپراتوری ایران» نبودند چه کسی بود؟ نبوکدنصر [=بخت‌النصر]؟ سناخریب؟ آشور بانی‌پال؟ رامسس؟ اسکندر مقدونی؟ یا شاید فتحعلی شاه قاجار؟

بخش دیگری از سخنان این «ایران‌شناس» را به نقل از آقای سرکوهی می‌خوانیم:

از منظر پرفسور فراگنر مفهوم هویت ایرانی و ایران به دوران هخامنشی و اشکانی مطرح نبود، واژه ایران برای نخستین بار به دوران ساسانیان و مفهوم ایران چون واحد جغرافیایی-سیاسی مستقل نخستین بار به دوران حکومت سلاطین مغول بر ایران مطرح شد.

پرفسور فراگنر در مصاحبه با اشپیگل نظریات بحث‌انگیز و نقادانه‌ای را در باره هویت ایرانی، اسلام و عرفان ایرانی، روند رشد و توسعه زبان دری پس از اسلام، شعر کلاسیک فارسی، انقلاب اسلامی و نسبت سنت و مدرنیته در ایران امروز مطرح می‌کند.

ایرادی که برخی به استوانه‌ی کورش می‌گیرند آن است که می‌گویند در آن از «حقوق بشر» نام برده نشده است. یعنی انتظار دارند این اصطلاح با همین شکل در استوانه‌ی کورش آمده باشد. محتوای آن مهم نیست. یعنی در زمانی که آشوریان به ویران کردن و کشتار همگانی دشمنان خود و سرزمین‌های فتح کرده‌ی خود می‌بالیدند و می‌نازیدند کورش پس از گشودن بابل مردم را آزاد گذاشت و نگذاشت به کسی آسیب برسد. لابد ایشان در آثار به جا مانده از کورش و داریوش به دنبال عبارت «امپراطوری ایران» (با همین نگارش!) گشته و چیزی پیدا نکرده است.

می‌بینیم که این ایران‌شناس درباره‌ی تمام تاریخ ایران از زمان هخامنشیان تا انقلاب اسلامی کارشناس و خبره است و در همه زمینه‌ها - به طور بحث‌برانگیزی! - اظهار نظر می‌کند. جست‌وجو در بخش کتاب‌های گوگل نشان می‌دهد که برت فرگنر در سال ۱۹۸۹ م. / ۱۳۶۸ خ. نیز مقاله‌ای با همین عنوان در نشست «انجمن مطالعات خاورمیانه در امریکای شمالی» (Middle East Studies)

**(Association of North America Meeting)** - وابسته به دانشگاه آریزونای امریکا - در شهر تورنتوی کانادا منتشر کرده است به نام «پرسشی درباره‌ی ایران به عنوان مفهوم سیاسی». در همان سال ۱۹۸۹ ایران‌شناس نامور ایتالیایی، گرادو نیولی، کتابی نوشته به نام «مینه [=ایده]ی ایران» که به طور مفصل به این موضوع در دوران پیش از اسلام پرداخته است. هم چنین یک مجموعه کتاب به همت «بنیاد سودآور» منتشر شده با نام «مینه [ایده]ی ایران» که پیشتر به معرفی آن پرداخته‌ام و شامل مقاله‌هایی از ایران‌شناسان و پژوهندگان معتبرتری از برت فرگنر است.

درباره‌ی ایران پس از ساسانیان نیز پیشتر نوشته‌ام و اگر این «ایران‌شناس» با ادبیات و تاریخ ایران پس از اسلام آشنا بود می‌دانست که فردوسی و انوری و ناصر خسرو و نظامی و خاقانی و قطران تبریزی و دیگر شاعران و نویسندگان و تاریخ‌نگاران ایرانی چه اندازه از ایران به عنوان واحد سیاسی و کشور نام برده‌اند و در آن زندگی کرده‌اند. دیلمیان و سامانیان و زیاریان و ... همه ادعای جانشینی و میراث ساسانیان را داشتند. حمله‌ی مغول اگر اثری داشت همانا ویرانی و کشته شدن شمار فراوانی از ایرانیان بود. البته خلافت نیمه‌جان عباسی را نیز از میان برداشت.

متأسفانه بسیاری از ما ایرانیان هرچه را بیگانگان بگویند چشم بسته می‌پذیریم.

درباره‌ی عنوان «زرتشت: اختراع‌کننده‌ی جهنم» - که روی جلد آمده - وارد بحث نمی‌شوم.

### پی‌نوشت:

می‌خواستم درباره‌ی نام ایران در سنگ‌نبشته‌های داریوش و دیگر سندها پی‌نوشتی بیافزایم که پس از پخش این نوشتار متوجه شدم که رادیو آلمان (دویچه وله) [گزارش مفصل‌تری](#) از این ویژه‌نامه دارد که به زودی جداگانه درباره‌ی آن خواهم نوشت. از دیگر دوستان و کارشناسان و ایران‌دوستان نیز می‌خواهم در وبلاگ‌ها و سایت‌های خود



به طور مستدل و مستند به این دروغ‌ها و آشفته‌گویی‌ها و به قول حافظ «عرض شعبده»‌ها پاسخ دهند.

نوشتنی شهربراز | ساعت: 7:07 PM | پیوند دایمی

**1 نظر داده شده | نظردهی**

دسته‌بندی تاریخ باستان , روزانه

**1 نظر:**

**...Anonymous said**

خسته نباشید آقای شهربراز، پاسخ درخوری بود. رادیو آلمان نیز گزارشی از این مجموعه آورده و به همین نکات اشاره کرده است. چند سایت دیگر هم که منتظرند حرفهایی از این دست بشنوند بلافاصله آن گزارش را بازچاپ کرده اند، بدون اینکه لحظه ای به ادعای آقای فرگنر فکر کنند و از خود بپرسند چطور ممکن است ایران به عنوان یک واحد فرهنگی و سیاسی در زمان ایلخانان شکل گرفته باشد. درست است که در دوره صفوی ایران تبدیل به یک واحد سیاسی با دولتی مرکزی شد، اما از لحاظ فرهنگی این واحد طی سه هزار سال گذشت وجود داشته است. آثار ادبی ما و از جمله شاهنامه از این واحد فرهنگی به کرات سخن گفته اند و همانطور که گفتید پیش از دوره مغولها. اما به نظر من به سخره گرفتن هویت ایرانی توسط اشپیگل و امثال آن جنبه سیاسی دارد. داشتن هویت ناسیونالیستی و بازنویسی تاریخ در پرتو چنین نگرشی طبعاً بسیاری از عناصر روایی چنین گفتمانی را از انحصار غربیها بیرون میبرد. اینکه بپذیریم کورش دیکتاتور نبوده یا با سیاستی نسبتاً بشردوستانه کشور را اداره میکرده انحصار اندیشه های دمکراتیک را که غرب به خود منسوب میکند از میان برمیدارد و ایرانیان میتوانند هویت خود تابع این روایت قوی مدرن سازی کنند. این همان گرایشی است که از یک و نیم قرن پیش دایم در ایران مطرح میشده و غربیها به اشکال گوناگون آن را با یک روایت غربی جایگزین میکرده اند. این روزها هم احساسات میهن پرستانه در ایران قوی شده و میتواند راهی برای اتحاد ملی شود. برای همین هم یکبارہ اینها هویت ملی و هویت مذهبی جمهوری اسلامی را در ارتباط با یکدیگر مطرح میکنند که مردم خسته از جمهوری اسلامی از این یکی نیز بگریزند و به دنبال آن هویت قومی

را برجسته میکنند تا این واحد فرهنگی در هویت‌های قومی خرد و در هم شکسته شود. ما بی حساب و کتاب و تابع احساسات عمل میکنیم، اما اینها حساب شده عمل میکنند. آذر فرمند

[PM 3:38 14/4/10](#)

[Post a Comment](#)

[پیوند دائمی](#)

[هفته نامه ی ایران شناخت، سال پنجم- شماره ی ۴۴، جمعه بیست و هفتم ...](#)

[ایجاد پیوند به این نوشته](#)

[صفحه‌ی اصلی](#)

[نوشته‌های قبلی](#)

(Subscribe to: [Post Comments \(Atom\)](#))